

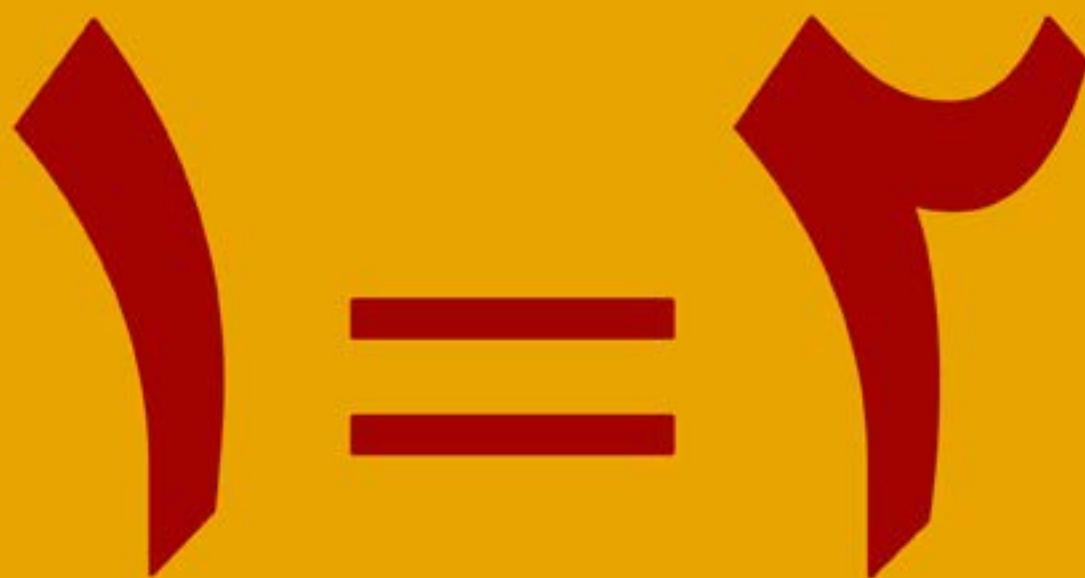
ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال چهارم شماره ۱۰۲

۹ خرداد ۱۳۹۸ / ۳۰ می ۲۰۱۹

حقوق ما

ارث برابر



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران/ محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: نعیمه دوستدار

تحریریه: مریم دهکردی، معین خزائلی، رضا حاجی حسینی، نیلوفر جعفری

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

اقدام فردی: راهی برای تامین ارث برابر



تقسیم ارث برابر بین فرزندان دختر و پسر



سهم نابرابر ارث خواهر و برادر

قوانین نابرابر در ایران؛ ارث زن از شوهر



وصیت برای محروم کردن از ارث: نداریم، نمی شود



اقدام فردی: راهی برای تامین ارث برابر



نعمیه دوستدار

قانون تقسیم ارث بر اساس قوانین اسلام، به ویژه در میان زن و مرد نابرابر است و سال‌هاست که زمینه بحث‌های گسترده‌ای را در میان حقوق‌دانان و فعالان حقوق زنان مطرح کرده است. بر اساس قوانین جاری، سهم پسر از ارث دو برابر دختر است و زن نیز یک هشتم اموال همسر را به ارث می‌برد. توضیح رایج قانون‌گذاران این است که قانون ارث اسلام در زمانه‌ای تبیین شده که زنان اساساً حقی از ارث نداشته‌اند و از این لحاظ در نظر گرفتن ارث برای آنان پیشرفتی در حقوق زنان به شمار می‌آید. از سوی دیگر چنین استدلال می‌کنند که نابرابری ارث زنان و مردان در واقع به طریقه‌ای دیگر جبران می‌شود مثلاً اینکه مسوولیت تامین مخارج زنان و نفقه آنان بر عهده مرد است و همچنین زنان مسوولیتی در قبال انجام کارهای خانگی و حتی شیردادن به فرزند بدون دریافت هزینه از همسر را ندارند و موظف به صرف درآمد خود در امور منزل نیستند.

با چنین استدلال‌هایی مه شاید در زمانه خود قابل قبول به نظر می‌رسید، نمی‌توان پاسخگوی نسل جدید زنان و مردان بود. زنان دهه‌هاست با تحصیل و اشتغال نقش‌هایی

فراتر از نقش‌های خانگی پیدا کرده‌اند و از آن مهم‌تر به کار خانگی بی‌مزد و صرف درآمد خود در خانه می‌پردازند. زن معاصر مسلمان دیگر نفقه بگیر و غیرمولد نیست و تقاضای حقوق برابر اقتصادی دارد. نابرابری قانون ارث به ویژه برای همسران و سهم ناچیز آنان از اموال همسر باعث شده که بسیاری از زنان در سالمندی و در حالی که تمام عمر از حقوق اقتصادی خود محروم بوده‌اند، سال‌های پایان عمر را در فقر و تنگدستی بگذرانند و سهم بزرگی از اموال همسر نصیب فرزندان پسر شود.

بر اساس همین نابرابری‌هاست که تلاش برای تغییر قانون ارث و یا به نحوی دور زدن آن به دغدغه فعالان اجتماعی تبدیل شده و با بالا رفتن آگاهی بسیاری از خانواده‌ها، خود آنها در تلاشند تا سهمی مساوی از ارث را برای فرزندان تعیین کنند یا ترتیبی دهند که همسر بعد از مرگ شوهر، به دلیل تقسیم ارث ناگهان بی‌بهره و بی‌نصیب نماند.

یکی از این شیوه‌ها عمرایی کردن اموال موروثی است به این معنا که اموال مرد یا زن تا زمان حیات یکی از آنها در اختیار دیگری باشد و فرزندان نتوانند به محض درگذشت

یکی به تقسیم اموال بپردازند. تفاوت میان صلح عمری و وصیت این است که اگر کسی بخواهد مال خود را بعد از فوت تملیک کند، به طوری که تملیک شونده بعد از فوت استفاده کند قالب آن وصیت تملیکی است اما قالب دیگری نیز وجود دارد که این قالب صلح عمری نام دارد. صلح عمری عقدی مرکب از دو چیز است: اول عقد صلح است که عقد لازم است و به موجب آن در موارد مالی، عین یا منفعت آن تملیک می‌شود.

ولی عمری یک نوع حق انتفاع است که در قالب عمر صورت می‌گیرد. مثلاً اگر زنی بعد از فوت همسر خود از منافع خانه زوج استفاده کند و در آن سکونت گزیند، باید در زمان حیات همسر با او قرارداد صلح عمری برقرار کند به این مضمون که زوج بگوید که من بعد از فوت به شما اجازه می‌دهم که از منفعت خانه‌ای که در آن سکونت داری تا زمانی که زنده هستید، استفاده کنید. زنی که شوهر دارد ابتدا از خانه شوهر به عنوان نفقه استفاده می‌کند، چون یکی از عناصر نفقه زن شوهردار سکونت در مسکن زوج است.

بنابراین فرق صلح عمری با وصیت در این است که در وصیت موضوع بعد از فوت است، ولی در صلح عمری تملیک حق انتفاع (سکنی) از منزل شخص موصی (وصیت کننده) به نفع موصی‌له (کسی که به سود وی وصیت شده است) تا پایان عمر منتفع است که صلح به نفع او صورت گرفته است (تا پایان عمر موصی‌له).

شیوه دیگر این است که برخی از خانواده‌ها پیش از مرگ اموال را به طور مساوی به نام فرزندان دختر و پسر می‌کنند که در این صورت موضوع پیش از مرگ آنها تعیین تکلیف می‌شود و اگر با صلح عمری همراه شود، زمینه سوءاستفاده یا سلب امکان زندگی والدین از منافع آن املاک گرفته می‌شود.

در این شماره مجله حقوق ما به چالش‌های موضوع ارث برابر در قوانین ایران بیشتر پرداخته‌ایم.



تقسیم ارث برابر بین فرزندان دختر و پسر

گفت‌وگو با دنیا رضایی وکیل دادگستری



معین خزائی

قانون مدنی ایران در فصل چهارم خود به تبعیت از احکام فقهی شیعه سهم الارث قانونی - شرعی فرزندان ذکور را دو برابر فرزندان اناث دانسته و در ماده ۹۰۷ خود می‌گوید: «اگر اولاد [متوفی] متعدد باشند و بعضی از آنها پسر و بعضی دختر، پسر دو برابر دختر [ارث] می‌برد.» صراحت این قانون در ایجاد تبعیض جنسیتی به پیروی از احکام اسلامی در قوانین مربوط به ارث همواره از سوی فعالان برابری حقوق زنان و مردان مورد انتقاد گرفته است. به گفته این فعالان شالوده این قانون بر مبنای جنسیت وارثان بودن و از این رو تبعیض ایجاد شده ناشی از آن به مانند بسیاری دیگر از احکام فقهی اسلام مرد محور، زن ستیزانه و ناعادلانه است.

در برابر اما فقه‌های اسلامی نه تنها این حکم را ناعادلانه نمی‌دانند بلکه با استناد به دیگر احکام اسلامی از جمله بر عهده مرد بودن مسئولیت اقتصادی زندگی آن را دلیلی بر دو برابر بودن ارث فرزندان پسر دانسته‌اند. به گفته ایشان از آنجا که در اسلام وظیفه تامین مالی زنان در زندگی (در روابط زناشویی) بر دوش مردان قرار داده شده (در قالب نفقه و مهریه)، از این رو سهم مردان نیز از منابع مالی از جمله ارث دو برابر زنان است. ضمن اینکه به

گفته این فقها، از آنجا که زنان وظیفه‌ای در تامین مخارج زندگی ندارند، سهم الارث آنان متعلق به خودشان بوده و می‌تواند صرف مسائل شخصیشان گردد.

ارائه این استدلال از سوی مدافعان این حکم تبعیض آمیز در حالی است که واقعیت‌های دنیای امروز نشان می‌دهند نقش زنان در اقتصاد (چه از بعد کلان و چه از بعد خرد) اگر بیشتر از مردان نباشد، کمتر از آنان نیست. ضمن اینکه اساسا تقسیم بار اقتصادی بر اساس جنسیت اقدامی است که ریشه در تاریخ مردسالاری داشته و علاوه بر اینکه غیرانسانی و ناعادلانه است، به هیچ وجه نشان دهنده خواستگاه امروزی جامعه نیست. از این رو تلاش برای بهره مندی از ارث برابر و فارغ از تبعیض جنسیتی آن به یکی از چالش‌های زنان در ایران بدل شده است.

مشکل اما زمانی نمود بیشتری پیدا می‌کند که این اجرای این حکم در تقسیم ارث بین وراث الزامی بوده و حتی وصیت موصی (شخص وصیت کننده) نیز ضمانت اجرای آن را از بین نمی‌برد. دنیا رضایی، وکیل دادگستری با اشاره به «امری» بودن قانون ارث بر اساس قوانین ایران در این زمینه می‌گوید: «قوانین به دو دسته امری و تکمیلی تقسیم می‌شوند. امری به قوانینی گفته میشود که نباید خلاف نظم عمومی باشد و تراضی طرفین یا

تعهدی بر خلاف و مغایر با آن بلااثر و غیرنافذ است. ارث و وصیت جزو قوانین امری هستند.» از این رو به گفته این وکیل دادگستری «بر طبق ماده ۸۴۳ قانون مدنی، موصی تنها مجاز است بر ثلث ترکه خود وصیت کرده و وصیت او بر بیش از آن نافذ نیست، مگر اینکه وراث با آن موافقت نمایند.» این بدان معنی است که وصیت هر فرد، در صورتی که بر خلاف قوانین موضوعه ارث در ایران باشد (مثلا فردی در وصیت خود تمامی اموالش را به یک نفر ببخشد و یا یکی از فرزندان را از ارث محروم کند) از منظر قانونی مورد قبول نبوده و در صورت مخالفت یک یا تعدادی از وراث با وصیت موصی، خواست وی تنها بر یک سوم اموالش تعلق گرفته و مابقی اموال و دارایی‌ها با توجه به قوانین موضوعه تقسیم خواهد شد. از این رو حتی در صورت خواست فرد مبنی بر تقسیم ارث خود به صورت برابر در میان فرزندان دختر و پسر، این وصیت تنها نسبت به یک سوم از اموال



برای تقسیم اموال یک فرد بنا بر میل و خواسته خود کرده این است که افراد می‌توانند به واسطه آن مالکیت اموال خود را به شخص مورد نظر خود انتقال دهند و در عین حال انتفاع از آن اموال را تا زمان مرگ، برای خود نگه دارند. همچنین با توجه به باز بودن بحث شروط در عقد صلح، این امکان برای موصی وجود دارد که با گذاشتن حق شرطی تصمیم‌گیری برای فروش و یا انتقال مجدد اموال صلح شده را برای خود محفوظ بدارد. ماده ۴۱ قانون مدنی ایران نیز با تاکید بر بحث حق انتفاع در صلح عمری، آن را عقدی معرفی می‌کند که در آن حق انتفاع «به موجب عقدی از طرف مالک برای شخص به مدت عمر خود یا عمر منتفع یا عمر شخص ثالثی برقرار شده باشد.» از این رو به گفته دنیا رضایی «زمانی که امکان تغییر قوانین میسر نیست میتوان با تاسی از دیگر قوانینی که به عدالت نزدیک‌تر هستند به نتیجه دلخواه رسید. و در این مورد صلح بهترین راهکار است.»

وقتی ریاضیات به کمک عدالت می‌آید

جدای از امکان استفاده از عقد صلح در راستای تقسیم برابر اموال میان ورثه به ویژه فرزندان فارغ از جنسیت آنها، راه دیگری نیز که می‌توان از طریق آن به این هدف دست پیدا کرد، استفاده از ریاضیات است. در این شیوه از آنجا که هدف تقسیم برابر اموال بر اساس سهم برابر است، وصیت موصی بر انتقال بخشی از اموالش (آن یک سومی که وصیت موصی بر آن نافذ است) به فرد یا افرادی، به هنگام جمع شدن با حکم قانونی وراثت منجر به تقسیم مساوی اموال خواهد شد.

ساده‌ترین راه برای استفاده از این روش این است که به عنوان مثال فردی که دو فرزند (یک پسر و یک دختر) دارد و می‌خواهد اموالش پس از مرگ به صورت برابر بین این دو تقسیم شود در وصیت خود یک چهارم از اموالش را به دخترش بخشیده و تقسیم باقی اموال را به قانون ارث بسپارد. در این روش از آنجا که قانون ارث سهم پسر را دو برابر دختر تعیین کرده، از سه سهم باقی مانده از اموال دو سهم آن به پسر رسیده و یک سهم به دختر. در نتیجه از آنجا که دختر پیشتر یک سهم نیز از وصیت برده است، در عمل سهم دختر و پسر مساوی خواهد بود.



می‌توان از طریق آن تضمین این هدف را تامین کرد. دنیا رضایی در این زمینه می‌گوید: «مالکی که تمایل دارد اموالش بعد از فوت، در زیر سایه قوانین مربوط به ارث قرار نگیرد و عدالت را قبل از مرگ بین فرزندان برقرار کند بهترین راهکار صلح است. به خصوص صلح عمری.» چرا که به گفته این وکیل دادگستری مالک می‌تواند از طریق آن حق انتفاع اموال مورد نظر تا زمان مرگ خود، در اختیار خود نگه دارد.

در حقیقت آنچه که صلح عمری را تبدیل به روشی موثر

نافذ بوده و باقی اموال به صورت ذکر شده در قانون تقسیم خواهد شد.

در این میان اما راهی وجود دارد که از طریق آن می‌توان تقسیم ارث برابر را در میان فرزندان دختر و پسر تضمین کرد. راهی که اعمال آن حتی در صورت مخالفت با قانون ارث، سبب تقسیم عادلانه ارث فارغ از تبعیض جنسیتی آن خواهد شد.

«صلح عمری»؛ راهی برای تقسیم برابر ارث

اگرچه قوانین ارث و وصیت در ایران امری بوده و افراد نمی‌توانند وصیتی مغایر بر قوانین مصرح داشته باشند اما این قوانین تنها محدود به زمان فوت افراد بوده و پس از مرگ آنها لازم الاجرا هستند. این بدان معنی است که افراد می‌توانند تا پیش از مرگ خود نسبت به تقسیم اموال و دارایی‌های خود تصمیم گرفته و هر دخل و تصرفی را که در آن مایلند انجام دهند. دنیا رضایی وکیل دادگستری با اشاره به ماده ۳۰ قانون مدنی در ایران در این زمینه می‌گوید: «بر اساس این قانون هر مالکی نسبت به مایملک خود حق هرگونه تصرف و انتفاع دارد و تا زمانی که زنده است میتواند نسبت به اموال خود در چهارچوب قانون تصرفاتی نماید؛ مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.»

بر همین مبنا به گفته این وکیل دادگستری «اگر چه در قوانین مربوط به ارث، به پسر دو برابر دختر ارث تعلق می‌گیرد اما مالک یا به اصطلاح مورث می‌تواند با اختیاری که در تصرف اموال خود دارد در زمانی که در قید حیات است با صلح اموال خود به فرزندان به نسبت برابر، عدالت را بین فرزندان خود برقرار نماید.»

عقود جای داد.» ماده ۷۵۴ قانون مدنی نیز با تایید نافذ بودن عقد صلح نسبت به هر معامله یا غیر از آن، تنها عقد صلحی را غیرنافذ دانسته «که بر امر غیر مشروع باشد.»

بر همین اساس با توجه به صراحت قانون مدنی در اختیار افراد در هرگونه دخل و تصرف بر اموال خود و همچنین نافذ بودن عقد صلح بر هر امری به جز امر غیر مشروع، روشن است که بهترین راه قانونی برای تقسیم اموال به نحوی که شامل قوانین ارث نشود، استفاده از عقد صلح است. در این میان اما تنها عقد «صلح عمری» است که

قانون مدنی ایران در ماده ۷۵۲ خود در تعریف صلح می‌گوید: «صلح ممکن است یا در مورد رفع تنازع موجود و یا جلوگیری از تنازع احتمالی، در مورد معامله و غیر آن واقع شود.»

آنچه اما عقد صلح را به عنوان راهی برای دور زدن قانون ارث قرار داده است ماهیت فراگیر و همه جانبه آن است. چرا که به گفته رضایی وکیل دادگستری «صلح قالبی است که از سوی قانونگذار برای تجلی حاکمیت اراده تاسیس شده است با این توضیح که می‌توان آن را در مقام سایر

سهم نابرابر ارث خواهر و برادر

نیلوفر جعفری

ترک‌هایش به طریق زیر تقسیم می‌شود: اگر برای متوفی تنها یک فرزند باشد خواه پسر خواه دختر، تمام ترکه به او می‌رسد. اگر اولاد متعدد باشد ولی همه آنها پسر یا دختر، ترکه بین آنان به طور مساوی تقسیم می‌شود. اگر اولاد

نابرابری ارث خواهر و برادر همواره مورد مناقشه روشنفکران، پژوهشگران و حقوق‌دانان و فعالان حقوق بشر و زنان بوده است. اما تلاش‌ها تا کنون ثمری نداشته است و مردان بر اساس قوانین وراثتی ایران که سر منشا آن قوانین اسلامی است با این توجیه که مردان مسئولیت اقتصادی بیشتری در خانواده دارند سهم دو برابری نسبت به خواهران خود از اموال والدین دارند.

از دید اسلام وارث کسی است که پس از مرگ شخص، بخشی از اموال او را صاحب می‌شود و همچنین دیون آن شخص نیز به گردن او خواهد بود. ماده ۸۶۲ قانون مدنی وراثت شخص را معرفی می‌کند. مطابق این ماده وراثت هر شخص در درجه نخست پدر و مادر، اولاد و اولاد اولاد هستند: «اشخاصی که به موجب نسب ارث می‌برند سه طبقه‌اند: ۱. پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد ۲. اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها ۳. اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آنها.» همچنین بر اساس ۸۶۳ قانون مدنی وارثان طبقه بعد از آن وقتی ارث می‌برند که از وارثان طبقه قبل کسی نباشد. در ماده ۹۰۷ قانون مدنی ایران نیز درباره میزان ارث فرزندان آمده است: «اگر متوفی پدر و مادر نداشته و یک یا چند اولاد داشته باشد،

مادری فوت کند و به غیر از فرزندان شخص دیگری در طبقه ارث وجود نداشته باشد همه اموال او به فرزندانش می‌رسد. اگر همه فرزندان پس یا همه فرزندان دختر باشند اموال به طور مساوی تقسیم می‌شوند. اما اگر فرد فوت شده هم فرزند دختر داشته باشد و هم فرزند پسر نابرابری اعمال شده میان فرزندان دختر و پسر مشهود خواهد بود و سهم هر پسر دو برابر هر دختر خواهد بود. کسانی که با نابرابری سهم ارث خواهر و برادر موافق هستند اولاً به آیات قرآنی اشاره می‌کنند که در آن صریحاً به سهم دو برابری پسران اشاره شده است. در آیه‌ای از قرآن آمده است: «یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین... و ان کانت وحده فلها النصف» یعنی خداوند درباره فرزندان به شما سفارش می‌کند که سهم میراث پسر به اندازه سهم دو دختر باشد ... اگر یکی باشد نیمی از ارث از آن اوست. ثانیاً آنها بر این اعتقادند که احکام ارث در اسلام بر اساس زن یا مرد بودن وضع نشده است بلکه بر اساس مسئولیت مالی و موقعیتی که

متعدد باشند و بعضی از آنها پسر و بعضی دختر، پسر دو برابر دختر ارث می‌برد. آنچه مشخص است آن است که اولاد به عنوان طبقه اول وارثان مهم‌ترین وارثان فرد هستند. بنابراین وقتی پدر یا



زن و مرد در خانواده دارند و همچنین با در نظر گرفتن مسئولیت‌ها و تکالیف آنها وضع شده است. مدافعان نابرابری ارث خواهر و برادر اینگونه استدلال می‌کنند که فرزند پسر مسئول تامین هزینه‌های زندگی خانواده است و می‌تواند ارث بیشتر را در این زمینه خرج کند این در حالی است که فرزند دختر نقش زیادی در اقتصاد خانواده خود ندارد.

از نظر فعالان حقوق زنان مساله نابرابری ارث میان خواهر و برادر تنها مورد نابرابری جنسیتی قوانین اسلامی و ایرانی نیست و این مساله همانند ارزش شهادت زن، حق طلاق برای مردان و قیمومیت مردان بر زنان است و یکی از مصادیق بارز نابرابری‌ها و تبعیض‌های جنسیتی است. با این حال برخی از متفکران دینی این نابرابری جنسیتی را اینگونه توجیه می‌کنند که اسلام علاوه بر این که حقوق بیشتری به مردان می‌دهد وظایف بیشتری نیز بر عهده آنها گذاشته است. در قوانین اسلام هزینه مادر، خواهر، همسر و فرزند دختر بر عهده اوست و این نابرابری در ارث تنها منبع مالی برای این وظایف اضافه است. چیزی که در قوانین اسلام به عنوان نفقه بر عهده مرد گذاشته شده است آن است که در رابطه زن و شوهر، زن حتی می‌تواند برای پختن غذا، نگهداری از کودکان و شیردهی به نوزادان از شوهر خود درخواست پول کند. نکته دیگر که به آن اشاره می‌شود این است که زنی که کار می‌کند مجبور نیست درآمد خود را صرف هزینه‌های زندگی خانوادگی کند اما مرد موظف و مکلف است درآمد حاصل از فعالیت اقتصادی خود را صرف هزینه‌ها زندگی خانوادگی خود کند. چرا که از نظر اسلام هر خرج مالی‌ای که مرد برای زن، خواهر و مادرش انجام می‌دهد وظیفه است.

نابرابری ارث زن و مرد در اسلام که از جمله نابرابری‌های حقوقی به شمار می‌رود با مساله برابری انسانی در تناقض است. این مساله حتی با برخی از آیات قرآنی که در آن بر برابری انسان‌ها از نظر سرشت و ذات آفرینش تاکید دارند نیز در تناقض است. از سویی در برخی از آیات قرآنی که اصول فقهی و حقوقی بر مبنای آن تنظیم شده است بر برابری زنان و مردان تاکید شده است و از سوی

دیگر در بخشی از آیات در زمینه مسائل حقوقی مطرح در زمان هجرت پیامبر به وضوح نابرابری حقوق زنان و مردان مشهود است. البته این نابرابری‌های حقوقی فقط مختص برابری جنسیتی نیست و شامل انواع نابرابری‌های حقوقی از جمله تفاوت حقوق مسلمانان و غیرمسلمانان نیز می‌شود. به این ترتیب با توجه به رویکرد فقها در طول تاریخ نسبت به آیات قرآنی که آن را فرامکانی و فرازمانی درنظر می‌گیرند تغییر نظام حقوقی در کشورهای اسلامی از جمله ایران به سوی برابری‌های جنسیتی کار دشواری است. تاکید فقها و قانون‌گذاران بر اینکه نظام حقوقی بر مبنای شریعت تنظیم شده است همواره مانعی بر امکان نقد و تغییر قوانین بوده است. بر این اساس راه برای بررسی قوانین حقوقی مبتنی بر شریعت که با مفهوم عدالت در قرن بیست و یکم ناسازگار هستند با موانع بسیاری روبه رو است و آنچه در میان بحث‌های حقوقی در زمینه نابرابری‌هایی همچون ارث خواهر و برادر دیده می‌شود آن است که گویا اراده‌ای برای تغییر این قوانین به نفع زنان وجود ندارد و همه بحث‌ها پیرامون این مساله است که اگر نابرابری‌ای در حقوق دیده می‌شود به دلیل نابرابری در مسئولیت‌ها است.

کیوان عزت‌الهی وکیل دادگستری درباره راه نفوذ برای تغییر حقوق نابرابری همچون نابرابری ارث می‌گوید: «آنچه مسلم است این است که راه تغییر قوانین از طریق مطالبه‌گری امکان‌پذیر است. مادامی که در جامعه مطالبه عمومی و بحث‌های عمومی در حوزه برابری حقوق زنان و مردان در قوانین به شکلی گسترده صورت نگیرد، تاثیرگذاری بر قانون‌گذاران برای تغییر قانون به سوی برابری افراد امکان‌پذیر نیست. به طور مثال اگر جامعه‌ای مساله نابرابری ارث را مهم بداند باید در مورد این مساله بحث‌های اجتماعی و حقوقی بیشتری شکل بدهد. صاحب‌نظران، حقوق‌دانان و روشنفکران با پرداختن به این مساله و با به چالش کشیدن قانون و استدلالی که بر اساس آن قانون نوشته شده است می‌توانند دامنه بحث‌ها را در این زمینه گسترش بدهند و قانون‌گذاران را وادار به پاسخگویی در این موارد و البته تغییر قوانین کنند.»

قوانین نابرابر در ایران؛ ارث زن از شوهر



مریم دهکردی

زن ۹ سال با دار و ندار شوهرش ساخته بود و حالا که به نوایی رسیده بودند شوهرش تسلیم وسوسه‌ها شده بود. سال‌ها زخم زبان‌های خانواده شوهر را تحمل کرده بود که می‌گفتند یکه زاست و چون فقط یک دختر دارد اجاقشان کور است. مادر شوهر و خواهر شوهرها هر روز عکسی می‌آوردند نشان برادرشان می‌دادند برای ازدواج مجدد. به هوای داشتن پسر. زن رنجور و غمگین گوشه‌ای می‌نشست و غم بختش را می‌خورد. خانواده‌اش می‌گفتند در این شهرستان کوچک طلاق بگیرد وضعیتش از این که هست بدتر می‌شود. خودش هم دلش به طلاق رضا نبود پس ناچار شد به زندگی با زن دوم همسرش رضایت بدهد.

ساده نبود. زندگی در کنار زنی دیگر آن هم وقتی دختر هفت ساله‌اش مدام سوال می‌پرسید که چرا بابا آن خانم را آورده؟ چرا شب‌ها می‌رود پیش او بخوابد؟ سوال‌های دخترک، زخم زبان‌های در و همسایه و دوست و آشنا جانش را به لب رساند مهرش را بخشید، حضانت فرزندش را گرفت و دادگاه به طلاق رجعی رای داد! می‌گفت: «خانم جان به آب زمزم و کوثر سفید نتوان کرد،

گلیم بخت کسی را که بافتند سیاه. از طلاقم یک هفته نگذشته بود که شوهرم تصادف کرد و مرد. خانه و مغازه و ماشین داشت و من هیچ ارث و میراثی نداشتم. حتی مهرم را هم بخشیده بودم.»

این سکانسی از یک فیلم سینمایی نیست. برشی از یک زندگی واقعی در شهرستانی کوچک در جنوب ایران است. ارث یکی از قوانین نابرابر در ایران نیمی از شهروندان ایران را با تبعیض از نیم دیگر جدا می‌کند. شهروندان ایران با توجه به زن و مرد بودن در برابر به ارث بردن اموال از والدین و همسر با هم برابر نیستند. مثل بسیاری از نابرابری‌های دیگر اما در این میان چالش‌های ارث زن از شوهر بسیار است. اگر مرد بیمار باشد و پیش از ازدواج در دوران عقد فوت کند، سهم ارث چگونه خواهد بود؟ اگر ازدواج موقت باشد؟ اگر فرزندی در میان باشد؟

موسی برزین خلیفه حقوق‌دان در خصوص پرونده‌ای که ذکرش رفت می‌گوید: «البته این زن چون در مدت عده بوده و طلاقش هم رجعی بوده یعنی در دوره عده اگر پشیمان می‌شدند قرارداد ازدواج به قوت خود باقی بوده است از اموال شوهرش ارث می‌برد چرا که مطابق ماده ۹۳۴ قانون مدنی «اگر شوهر زن خود را به طلاق رجعی



مطلقه کند هر یک از آنها که قبل از انقضای عده بمیرد دیگری از او ارث می‌برد لیکن اگر فوت یکی از آنها بعد از انقضای عده بوده و یا طلاق بائن باشد از یکدیگر ارث نمی‌برند.»

میزان ارثی که زنی در شرایط مشابه با این پرونده خواهد برد بنابر قوانین چقدر است؟ موسی برزین خلیفه می‌گوید: «به طور کلی سهم زن از شوهر اگر فرزندی از او داشته باشد یک هشتم از اموال شوهر است. اما در مورد این پرونده که درباره‌اش صحبت کردید چون این مرد دو همسر داشته این یک هشتم بین آنها تقسیم می‌شود و سهم ایشان از اموال همسرشان یک شانزدهم خواهد شد.»

در طول سال‌های پس از انقلاب تلاش‌های پراکنده‌ای از سوی نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی برای اصلاح قوانین ارث و دیه زنان صورت گرفت. در قانون مدنی، سهم ارث زن از شوهر یک هشتم از اعیانی -

باغ و منزل - بود و اگر مثلاً مرد زمین هم داشت زن از زمین سهمی نمی‌برد. نمایندگان مجلس ششم در ماه‌های آخر کار خود، طرحی را مبنی بر ارث‌بری زنان از اموال غیرمنقول شوهر ارائه کردند که مجلس به آن رای داد اما این طرح در شورای نگهبان مسکوت ماند. در ماه‌های پایانی مجلس هفتم نمایندگان زن در مجلس مجدداً طرح مذکور را مجدداً ارائه کرده و حتی استفتایی در این خصوص از رهبر جمهوری اسلامی آیت الله خامنه‌ای پرسیدند. استفتایی که در ظاهر پاسخ منفی به آن داده نشد. سرانجام این طرح با ۱۶۹ رای موافق، دو رای مخالف و هفت رای ممتنع از ۲۲۱ نماینده حاضر و با استناد به فتوای آیت الله خامنه‌ای به تصویب رسید. حالا قانون ارث در ایران می‌گوید: «زوج از تمام اموال زوجه ارث ببرد و زوجه در صورت فرزنددار بودن زوج، یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از قیمت اموال غیرمنقول اعم از عرصه و اعیان ارث ببرد. همچنین در صورتی که زوج هیچ فرزندی نداشته باشد، سهم زوجه یک چهارم از کلیه اموال به ترتیب فوق است.»

چرا قانون ارث زن از شوهر تبعیض آمیز است؟

موسی برزین خلیفه در این‌باره می‌گوید: «قانون ارث زن از شوهر تبعیض آمیز است چون اساساً شرع زن و مرد را برابر نمی‌داند. مثلاً اگر زنی فوت کند و وارث دیگری هم نباشد همه اموال زن به شوهرش می‌رسد اما اگر مرد فوت کند زن اگر وارث دیگری نباشد یک چهارم اموال را به ارث می‌برد و بقیه اموال متوفی در حکم مال اشخاص بلاوارث تابع ماده ۸۶۶ خواهند بود.»

این حقوق‌دان اضافه می‌کند در صورت وجود اولاد هم ماجرای تبعیض میان زن و مرد در این قانون تمام نمی‌شود. اگر فرزندی در میان باشد زن یک هشتم اموال شوهر را به ارث می‌برد اما مرد یک چهارم اموال زن را.

یکی دیگر از معضلات قوانین ارث زن از شوهر وقتی مطرح می‌شود که زنی با ازدواج موقت به همسری مردی درآمده باشد. ازدواج موقت یا صیغه یکی از روش‌های پیشنهادی حاکمان در ایران برای مبارزه با «فساد و

به انحراف کشیده شدن جوانان» بر آن تاکید می‌کند. گذشته از نقض متعدد حقوق زنان در این ماجرا اگر زنی به ازدواج موقت مردی درآید با اینکه همه وظایف همسری بر عهده‌اش قرار می‌گیرد اما از نفقه و ارث بی‌بهره خواهد بود.

موسی برزین خلیفه در خصوص قواعد ارث در شرایط ازدواج موقت برای زن می‌گوید: «شرط ارث بردن زن از مرد در قوانین مدنی «نکاح دائم» قید شده است. بنابراین در ازدواج موقت شوهر نه برای پرداخت مخارج همسر موقت وظیفه‌ای دارد و نه در صورت فوت او در زمان صیغه زن از او ارث خواهد برد. البته شوهر هم از ارث به جا مانده از زنی که با او ازدواج موقت کرده بی‌بهره است.»

برای رفع خلاهای قانونی چه باید کرد؟

«سمانه سوادی» فعال برابری جنسیتی و حقوق‌دان در خصوص رفع خلاهای قانونی ارث زن از شوهر به نکته مهمی اشاره می‌کند. او می‌گوید برابری خواهان قانون ارث و مهریه را در کنار هم بررسی می‌کنند: «مهریه دین محسوب می‌شود و اگر مردی از دنیا برود پیش از هر اقدامی دیون او را از اموالش باید پرداخت کنند به همین دلیل است که فعالان حقوق زنان بر این نکته تاکید دارند که حذف مهریه نباید پیش از اصلاح قوانین ارث در ایران و برابر شدن میزان ارث زن از مرد با مرد از زن صورت پذیرد. اتفاقی که متأسفانه با تغییرات جدید در قوه قضاییه کم و بیش افتاده و ضمانت اجرایی مهریه بدون اصلاح هیچیک از قوانین مرتبط مانند ارث و حضانت در شرف اجرا شدن است.»

این حقوق‌دان در مقام مقایسه می‌گوید در عموم کشورها به این صورت است که وقتی یکی از طرفین زن یا مرد از دنیا برود اموال باقیمانده بی‌کم و کاست به دیگری می‌رسد چرا که نظام حقوقی بر این باور است که زندگی توسط این دو تن ساخته شده و هرچه هست متعلق به آن‌هاست بنابراین اگر یک طرف در قید حیات نباشد چه فرزندی باشد چه نه اموال به طرف دیگر زندگی خواهد رسید. اما در ایران مقادیر ناچیز یک چهارم و یک هشتم



اموال بنابر شرایط زوج و زوجه به عنوان ارث تعیین شده و گاه فرزندان متوفی که ممکن است پسران خردسال یا دختران کوچک باشند از مادرشان سهم ارث بیشتری خواهند داشت و این تنها نکته ماجرا نیست. در نهایت ولایت اموال نیز با پدربزرگ یا جد پدری آن‌هاست یعنی زن در خصوص چگونگی هزینه کردن اموال هم اختیاری نخواهد داشت.

استفاده از شروط ضمن عقد هم پیشنهاد دیگری است که می‌تواند تا زمان اصلاح قوانین ارث به کار گرفته شود. سمانه سوادی در خصوص این مورد می‌گوید: «زن و مرد می‌توانند در هنگام عقد، جزو شروط ضمن عقد خود این مورد را بیاورند که اموالی که در طول زندگی مشترک به دست می‌آید به صورت برابر در میان آن‌ها تقسیم شود. این شرط از شرط موجود در دفترچه‌های عقد متفاوت است. آن شرط قید می‌کند که اگر مردی بخواهد زنی را بی‌دلیل طلاق بدهد باید نیمی از اموالش را به او ببخشد.»

وصیت برای محروم کردن از ارث: نداریم، نمی‌شود



رضا حاجی‌حسینی

- از ارث محروم می‌کنم ... کاری می‌کنم کاسه گدایی دست‌گیری ... خیال کردی...

این قبیل جمله‌ها و تهدیدها که در شمار زیادی از آثار سینمایی و تلویزیونی فارسی هم وارد شده‌اند، ابزار تهدید والدین (به طور مشخص پدر) علیه فرزندان است تا آنها را -به تعبیر خود که برآمده از فضای حاکم و فرهنگ مردسالار است- سر جایشان بنشانند، رویشان را کم کند و مطیع اوامر گردانند.

از سوی دیگر داستان اختلافات خانوادگی بر سر ارث و میراث احتمالا برای عده زیادی از مردم، ماجرای آشناست، اما پرسش این است که آیا تهدید به محروم کردن از ارث واقعا کار می‌کند؟ یعنی آیا این تهدید وجاهت حقوقی و قانونی دارد و می‌توان آن را اجرایی کرد؟

به بیان ساده‌تر آیا پدر و مادر می‌توانند وصیت کنند که یک یا چند نفر از فرزندان‌شان از ارث محروم شوند و اموال و دارایی‌های بر جای مانده از والدین به آن‌ها نرسد؟

این سوال را یکی از مخاطبان سایت پژوهشکده باقرالعلوم که به سوال‌های شرعی پاسخ می‌دهد، به این ترتیب مطرح کرده است که: «آیا پدر و مادر می‌توانند ارث دختر و پسر را تغییر بدهند و دیگر اینکه آیا می‌توانند وصیت کنند که به یکی بیشتر و به دیگری کمتر بدهند؟»

پاسخ پژوهشکده باقرالعلوم به این سوال‌کننده دو بخش دارد. یک بخش مربوط به وصیت است و بخش دیگر مربوط به ارث.

درباره وصیت سوال این است که آیا پدر و مادر حق دارند وصیت کنند که اضافه بر ارث به کسی داده شود: «پدر و مادر می‌توانند تا «یک‌سوم از اموال» خود را وصیت کنند که در چه راهی مصرف شود. مثلاً در امور خیر مصرف شود یا اینکه به شخص خاصی داده شود، چه فرزندشان باشد چه نباشد. بنابراین، اینکه پدر و مادر یا هر شخص دیگری حق دارد وصیت کند اموالش را به کسی بدهد، مورد اختلاف نیست.»

در این پاسخ اما با توجه به مبانی فقهی و شرعی قانون ارث در ایران، به سوره نساء از قرآن، کتاب مقدس مسلمانان اشاره و تاکید شده که قبل از تقسیم ارث اول باید وصیت‌های شخص را انجام دهند (که همان یک‌سوم اموال است) یا اینکه اگر بدهکاری دارد، بدهکاری او را بپردازند و در ادامه آمده است: «ارث دختر و پسر، ارث پدر و مادر و همچنین ارث همسر از همسر، در قرآن معین شده. از جمله در آیه ۱۱ از سوره نساء: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» (خداوند شما سفارش می‌کند در تقسیم ارث، به پسر دو برابر دختر بدهید).



به این ترتیب اگر یک برادر و یک خواهر قرار باشد از پدر خود ارث ببرند، دو برابر به پسر می‌رسد.

حال سوال این است که آیا پدر و مادر می‌توانند این سهم را تغییر دهند و مثلاً بگویند دختر برابر با پسر ارث ببرد؟ پژوهشکده باقرالعلوم در پاسخ به این پرسش می‌گوید: «خیر! این کار از عهده پدر و مادر خارج است و چنین حقی ندارند چون این از احکام الهی است. همان‌طوری که در مورد همسر و پدر و مادر معین شده که چقدر ارث ببرند و با شرایط خاصی این تقسیم ارث آمده و کسی نمی‌تواند آنها را تغییر بدهد، چون اینها حدود و قوانین الهی است اما چنانچه بیان شد، هر شخصی حق دارد که تا یک‌سوم اموال خودش را وصیت کند که مقداری از آن را به فلان فرزندم مثلاً برای خرج تحصیلش بدهد یا فرزندی که نیاز به مسکن دارد مبلغی را به او پرداخت کنید. اما همین را هم حق ندارد بیش از یک‌سوم وصیت بکند و اگر بیش از یک‌سوم شد مقدار بیشترش صحیح نیست «مگر اینکه بقیه ارث‌برندگان اجازه بدهند» یا مثلاً فرزندان او اجازه بدهند که نصف اموالش را در راه خیر مصرف کنند.»

به این ترتیب بر اساس مبانی فقهی و قوانین مربوط به

انحصار وراثت در ایران، در وصیت نمی‌شود سهم ارث را تغییر داد اما کسی که وصیت می‌کند، می‌تواند تا یک‌سوم اموال خود را برای امور مورد نظر خود وصیت کند و اگر بیشتر از یک‌سوم وصیت کرد، منوط به اجازه وارثان است که اجازه بدهند یا نه و آن مقدار اضافه از وصیت، عملاً باطل است.

همین پاسخ را نبی‌الله کرمی، رئیس شعبه ۱۹ تجدید نظر دیوان عدالت اداری، به سوالی درباره تعیین میزان ارث در وصیت‌نامه می‌دهد. او در تاریخ ۲۵ مهر ۱۳۹۷ در پاسخ به سوال یک شهروند در این باره، به خبرگزاری میزان می‌گوید: «انتقال اموال و املاک توسط پدر به یکی از فرزندان خود در زمان حیات مقدور است چون تا زمانی که پدر در قید حیات است اموالش ارث تلقی نمی‌شود. بنابراین می‌تواند حبه کند، می‌تواند بفروشد، می‌تواند ببخشد و هیچ مشکلی ندارد اما اگر او کسی را ممنوع و محروم از ارث کند، یعنی یکی یا چند نفر از وراث را به دیگر وارثان ترجیح بدهد، او در این مورد صلاحیت ندارد مگر در یک‌سوم اموال خود. اگر بیش از یک‌سوم باشد، بعد از فوت او این وصیت ارزش ندارد، اعتبار ندارد و حقی ایجاد نمی‌کند.»

- قتل: اگر کسی فردی را که از او ارث می‌برد (مورث) عمدا بکشد، از ارث محروم می‌شود (ماده ۸۸۰ قانون مدنی) اما بر اساس ماده ۸۸۱ اگر این قتل «به حکم قانون» یا «برای دفاع» باشد، تاثیری بر سهم او از ارث نخواهد گذاشت.

- کفر: بر اساس فقه اسلامی و قانون مدنی (ماده ۸۸۱ مکرر) هیچ‌گاه یک کافر از اموال یک مسلمان که فوت کرده است ارث نمی‌برد. برای مثال اگر فرزند یک نفر کافر باشد، با فوت پدر به او که کافر است ارث نخواهد رسید. ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی: «اگر یک فرد کافری فوت کند و در میان ورثه او یک مسلمان باشد، شخص مسلمان مانع از ارث بردن سایر ورثه کافر می‌شود و هر چند از لحاظ قرابت و نزدیکی عقب‌تر باشد، تمام اموال به او می‌رسد.»

- لعان: مورد دیگر لعان است که اگر واقع شود نه زن و شوهر از یکدیگر ارث می‌برند نه فرزند و پدری که با انکار رابطه پدر-فرزندی از سوی پدر موجب لعان شده است.

در تعریف لعان در منابع فقهی آمده است: «لعان مراسم اجرای سوگند با تشریفات خاص است که شوهر با سوگندهای ویژه‌ای به زن خود نسبت زنا می‌دهد و در مقابل زن سوگندهای مشابه برای رد اتهام شوهرش ادا می‌کند. با این تشریفات و سوگندها رابطه زوجیت آنها قطع می‌شود و ازدواج مجدد آن‌ها تا ابد ممنوع است. هم‌چنین رابطه پدر-فرزندی در مورد فرزندی که موجب این اتهام شده است، قطع می‌شود و فرزند فقط از خانواده مادری خود ارث می‌برد، نه پدر و خانواده او.»

بر اساس ماده ۸۸۳ قانون مدنی اما اگر پدر از لعان خود رجوع کند، در این صورت پسر فقط از پدر و نه خانواده او ارث می‌برد. هم‌چنین پدر و خانواده‌اش با وجود رجوع از لعان، از پسر ارث نخواهند برد.

- فرزند نامشروع: فرزند حاصل از «رابطه نامشروع» نیز از ارث محروم است. بر اساس ماده ۸۸۴ قانون مدنی چنین فرزندی نه از پدر و خانواده او و نه از مادر و خانواده او، ارث نمی‌برد.



را از دست بدهد.

به این ترتیب یک فرد بالغ عاقل در کلیه اعمال حقوقی مرتبط به مال و اموال خود اختیار دارد و می‌تواند هر میزان از اموال و دارایی‌های خود را به هر که بخواهد بفروشد یا ببخشد.

در این رابطه یک وکیل دادگستری از ایران که خواست نامش به میان نیاید، به «حقوق ما» می‌گوید: «یک بار خانمی از من سوال کرد که الان بیشتر اموال پدرش در اختیار و به نام همسر دیگر او و پسرهایش است. تکلیف آن اموال پس از مرگ پدرش چه خواهد بود؟ او از بیماری پدر گفت که به تعبیر او فراموشی گرفته؛ پس این احتمال در میان است که راحت بتوانند فریبش بدهند.»

این وکیل دادگستری در ادامه می‌گوید: «من در پاسخ به او گفتم ماترک یا همان میراث یک شخص اموالی است که در زمان فوت رسماً متعلق به او بوده است. بنابراین خانه و دیگر اموال اگر به نام پدرش نیست، جزء میراث نخواهد بود و او نمی‌تواند ادعایی بر آن‌ها داشته باشد، حتی اگر به کسی هدیه شده باشند. به او گفتم اگر پدرتان

آن‌چه در قانون آمده

موضوع وصیت برای اموال به جا مانده به طور مشخص در ماده ۸۴۳ قانون مدنی آمده است، به این ترتیب که: «وصیت به زیاده بر ثلث ترکه نافذ نیست مگر به اجازه وراث و اگر بعضی از ورثه اجازه کند، فقط نسبت به سهم او نافذ است.»

پس مثلاً اگر مردی وصیت کرده باشد که خانه او را به زنی بدهند و قیمت آن خانه بیش از یک سوم «ترکه متوفی» (ارث، ارثیه، ماترک و ترکه همه به معنی اموال باقی‌مانده از فرد درگذشته است) باشد، وصیت او باطل است مگر اینکه دیگر وراث رضایت داشته باشند. اگر از میان این ارث‌برندگان کسانی راضی و کسانی ناراضی باشند، آن‌ها که رضایت دارند می‌توانند در سهم خودشان بر اساس وصیت عمل کنند.

از سوی دیگر ماده ۸۳۷ قانون مدنی ایران مقرر کرده است که: «اگر کسی به موجب وصیت، یک یا چند نفر از ورثه خود را از ارث محروم کند، وصیت مزبور نافذ نیست.»

این ماده می‌گوید اگر موصی (وصیت کننده) یک یا چند نفر از ورثه را صراحتاً از ارث محروم کند، این محرومیت فاقد اعتبار قانونی است. یعنی اگر پدری در وصیت‌نامه خود گفته باشد که یک فرزند او به طور کلی از ارث محروم است، این قسمت از وصیت‌نامه او باطل است، اما اگر فرضاً ارثیه او را کمتر از سهمش در نظر گرفته باشد، این وصیت «تا یک سوم کل اموال او» قابل اجراست.

به این ترتیب اگر کسی بخواهد فرزند یا وابسته‌ای را که از او ارث می‌برد، به انگیزه تنبیه یا هر انگیزه دیگری با کم کردن سهمش از ارث جریمه کند، صرفاً این اختیار را نسبت به یک سوم اموالش دارد و در بدترین حالت، وارث (به عنوان مثال اگر فرزند باشد) در دو سوم اموال پدر سهم خواهد داشت.

پیش از مرگ، اموال هر کس متعلق به خود اوست فرد تا زمانی که زنده است اختیار کامل اموال خود را دارد، مگر اینکه از درک عاجز شود و امکان تمیز مسائل

موانع ارث

ارث بردن اما موانعی دارد و ممکن است وارث بنا به دلایل مختلف از ارث محروم شود اما وصیت فرد پس از مرگ او نمی‌تواند باعث محروم شدن وارث از ارث شود. برخی از موانع ارث در قوانین جمهوری اسلامی از این قرارند:

